محدوده دخالت فقیه در تعیین موضوع حکم

قبلاً عرض کردم کلمه «موضوع» چند اصطلاح دارد. یک عبارتی را همه همه شنیده‌اید و می‌گویند شأن فقیه تعیین موضوع نیست. این یک فرد روشنی دارد که موضوع به‌معنای فرد خارجی است. لیوانی در اینجا هست، خمر هست یا نیست؟ زنگ بزنیم دفتر مرجع ببینیم خمر هست یا نیست؟ می‌گویند چه ربطی به مرجع دارد؟! این موضوع است. او که نباید برای شما تعیین کند که این خمر هست یا نیست. این روشن‌ترین فرد این عبارت است که می‌گوییم «تعیین موضوع شأن فقیه نیست». این موضوع خارجی است که باید آن را از دیگری بپرسید.

اما یک تبیین موضوع داریم. تبیین موضوع، فقط شأن فقیه است. یعنی کاری به موضوعات خارجی ندارم. می‌خواهیم ببینیم آن موضوع ثبوتی‌ای که شارع حکم را روی آن آورده و انشائات طبق آن صورت گرفته، چه قیودی دارد. تبیین موضوع تنها شأن فقیه است. این معلوم باشد.

بنابراین تعیین موضوع خارجی، ربطی به فقیه ندارد. تبیین موضوع ثبوتی تنها شأن فقیه است. و بین این دو طیفی از موضوعات غامض هست، که باید ببینیم آیا شأن فقیه هست یا نیست. واقعاً طیفی است. کار تخصصی مهمی می‌خواهد. یعنی موضوعاتی داریم که باید ببینیم آیا فقیه باید بیاید یا نیاید. عملاً در بسیاری از موارد فقها اقدام کرده‌اند و صحبت کرده‌اند. در برخی از موارد هم صحبت نکرده‌اند. کجا جای این است که بیایند صحبت بکنند و کجا جای این است که نیایند؟

چیزی که ما می‌توانیم بگوییم این است: جایی که موضوع دلیل شرعی نیاز به تبیین دارد، قیود ظریف‌هایی دارد، که چون فقیه به موضوع ثبوتی ابصر است و خودش هم جزء عرف در موضوعات خارجی است، اگر فقیه در اینجا جا اقدام کند به جا است. چرا؟ چون او باید هم در کبری وارد باشد و هم از این باب که عرف است صغری را وارد باشد. اینجا اقدام فقیه به جا است. لذا تعبیری که می‌کنند این است: می‌گویند فقیه در اینجا ابصر است. چرا ابصر است؟ چون اولاً خودش یکی از عرف است. ثانیاً او موضوع ثبوتی را در فقه تبیین کرده است، قیود و خصوصیات آن را می‌داند.

آوازی خوانده می‌شود، این غنا هست یا نیست؟ خب از مرجع خودمان بپرسیم! او می‌گوید به من چه کار دارید؟! من فتوایم را داده‌ام. اما خب موضوع غناء و آوازی که خوانده می‌شود، چیست؟ محض ترجیع صوت است یا ترجیع صوتی است که مطرب باشد؟ فقها از این بحث کرده‌اند. اینجا تبیین موضوع است. یعنی اطراب، جزء غناء هست یا نیست؟ این شبهه‌ای در حیطه موضوع حکم است، اما این تفاوتها را دارد. لذا این بحث خیلی گسترده‌ای است.

در مانحن فیه اینکه می‌گوییم «کذلک نری موضوعیة نفس المهالل»، با این کار داریم. از چه ناحیه‌ای؟ از ناحیه تفاوت بین دو چیز. یکی در مقام تبیین موضوع ثبوتی؛ اینکه ببینیم از ادله شرعیه واقعاً چه استفاده‌ای می‌شود؛ آن چه که حکم شرعی روی آن بار شده، کدام است. بعد به خارج بیاییم.

بازبینی #1
ایجاد شده 12 مه 2026 14:33:57 توسط ... .
به روزرسانی شده 12 مه 2026 14:34:26 توسط ... .